



پروشکا و علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رساله علمی علوم انسانی

بارلاخ

زندگی بخش سنگها و چوبها

آثار هنری خشنی که درین صفحه‌ها می‌بیندکاریکی از بزرگترین مجسمه‌سازان مکتب «اکسپرسیونیسم» آلمان است، و به حق باید او را نابغه‌ای در جهان هنر خواند، چون گذشته از استادیش در کنده‌گری و بیکنرتراشی نویسنده‌ای توانا و شاعری خوش قریحه بوده است. منتقدان بیکنرتراشی او را دکوتیک جدید «Modern Gothic» خوانده‌اند، چون آثارش همانطور که از لطف اندیشه و شیوه نو برخوردار است، استحکام و قدرت هنری کهن را نیز همراه دارد. بارلاخ فیلسوفی هنرمند است که می‌کوشد اندیشه فلسفی‌اش را در سنگ و مفرغ نقش سازد. در تمام آثار او با اندک تأمل می‌توان کوشی را دید که در پنهان ساختن زشتی و خشونت پلید، در جلوه خشن آثارش بکار رفته است. اندیشه درباره زندگی و بینش فلسفی بارلاخ سبب شده است که بیفته در برابر مجسمه‌هایش به فکر فرو رود و بکوشد تا عمق تفکرات او را دریابد. این نکته چیزی است جز قدرت بیان و طرح و تصویر آثار هنری، این آفرینش هنری است.

هر بیننده صاحب ذوق در مجسمه‌ها و کنده‌گری‌های روی چوب، و دیگر آثار بارلاخ، تجسم شعرا و را می‌بیند و در اشعارش مجسمه‌های او را احساس می‌کند، خواننده آنچه می‌خواند در خیال خود می‌بیند، و آنچه در شعرا و بیان شده است چون مجسمه‌ای ملمس می‌کند.

نابجا نیست پیش از شرح ارزش مجسمه‌ها و کنده‌گری‌های بارلاخ به نوشته‌های او که بیشتر صورت نمایشنامه دارد، فهرست وار اشاره‌ای کنیم و بعد دنباله سخن را بگیریم تا خواننده با آثار ادبی او نیز آشنائی مختصری پیدا کند.

نمایشنامه‌های معروف او یکی «روز مرده» است که در سال ۱۹۱۲ نوشته است، پس از این کتاب تا چند سال نوشته مهمی منتشر ساخت، در سال ۱۹۲۰ «سدمودس اصلی» (Real Sedemuds) را نوشت و چهار سال بعد (۱۹۲۴) «سیل گناه» را منتشر ساخت،

وجد کلر ارنست بارلاخ

ترس نامیهانی (مجسمه چوبین) کلر بارلاخ





پیوند کار بارلاخ

در همین زمان به نوشتن شرح حال خود پرداخت
و آن را به پایان رساند .

در سال ۱۹۳۰ برای اولین بار به نوشتن
رمانی پرداخت به نام «ماه دزدیده شده» اما آنرا
به پایان نرساند . این رمان ناتمام ده سال پس از
مرگش (۱۹۴۸) به چاپ رسید . مجموعه اشعار
او تا کنون چندین بار تجدید چاپ شده است .

با اینهمه این مرد بزرگ هنری زندگی
را در ناامیدی سپری کرد و با یأس آن را بدرود
گفت . تقریباً تا بیست سال پس از مرگش آنچنان
که باید و شاید مردم جهان او را نمی شناختند و
شهرتش از میان هنر دوستان و صاحب ذوقان آلمانی
قراتر نرفته بود .

در چند سال اخیر گروهی از هنرمندان و علاقمندان به بارلاخ کمر همت بستند
و آثار هنری این مرد را گرد آوردند و نمایشگاه‌هایی ترتیب دادند . سال ۱۹۵۶ به کوشش
همین گروه «سال بارلاخ» خوانده شد . در آمریکا و اروپا نمایشگاه‌های سیار به پا گردید
و آثار این هنرمند در شهرهای بزرگ جهان به نمایش گذاشته شد . کتابهایی نیز در
نقد آثار هنریش و مجموعه‌هایی از مجسمه‌ها و کتبه‌هایش منتشر گردید .

*

«ارنست پیارلاخ Ernest Barlach» در دوم فوریه ۱۸۷۰ در «هولشتاین
Holstein» به دنیا آمد . پس از تحصیلات مقدماتی به کار هنری پرداخت . ابتدا در
هامبورگ و سپس در «درسدن Dresden» و پاریس به تکمیل هنریگریگریاش کمر
بست . بعد به ایتالیا سفر کرد و به مطالعه در کار استادان ایتالیایی این فن پرداخت .
پس از بازگشت به «هامبورگ» سفری به «برلین» کرد و از آنجا راه روسیه را
پیش گرفت . سفر روسیه بیش از پاریس و ایتالیا در کار هنری بارلاخ مؤثر افتاد . روستاییان
جنوب روسیه، کار و زندگی در آن نواحی، خشم طبیعت و درعین حال رحم او که حاصلی
فراوان به مردم ارزانی می‌دارد، نظرش را جلب کرد . بارلاخ خود در باره مردم صحرا
گردد و آفتاب سوخته این نواحی گفته‌است : «اینان مجسمه‌هایی برتزی هستند» . عقیده
داشت که در بن اشخاص ساده دل، که کمتر کوشش دارند راز درون را پنهان کنند و خود
را در گونه جلوه دهند ، احساس و حرکات که مایه کار مجسمه سازاست ، به صورتی
راستین و طبیعی ظاهر می‌شود . خودش باز درباره همین مردم گفته‌است : «در اینان احساس
شریف و رحم و تأثر به همان سادگی و عمق جلوه می‌کند که ایمان وحشی انتقام .»



هنر بارلاخ بیش از هر چیز تحت تأثیر زادگاه افسرده و با طلاقش یعنی نواحی اطراف « هولشتاین » در شمال آلمان است که کودکی و جوانی اش در آنجا سپری شده است. ماندن در پاریس و ایتالیا به هیچ روی در مایه‌ای که از زادگاهش گرفته بود مؤثر نیفتاد، و کمتر نمودی در کارهای هنرش می‌توان یافت که به نوعی آن را متأثر ازین دو مرکز هنری جهان دانست. اما تأثیر محیط روسیه بی‌شک به سبب شباهت زیاد میان محیط و مردم آن سرزمین با همین عوامل در زادگاه بارلاخ بوده است.

سیران فرشته نگر بارلاخ

او چون معاصرانش « ایسن » و « استریندبری » معتقد بود تقدیر حاکم بر انسان است و انسان بی‌آن که خود بخواهد به دشمنی‌هایی ناآگاهانه می‌پردازد. می‌گفت: آسمان و زمین دشمن یکدیگرند.

عاقبت در سال ۱۹۱۰ به « روستک Rostock » بازگشت و تا آخر عمر (یعنی تا ۲۴ اکتبر ۱۹۳۸) درین شهر باقی ماند.

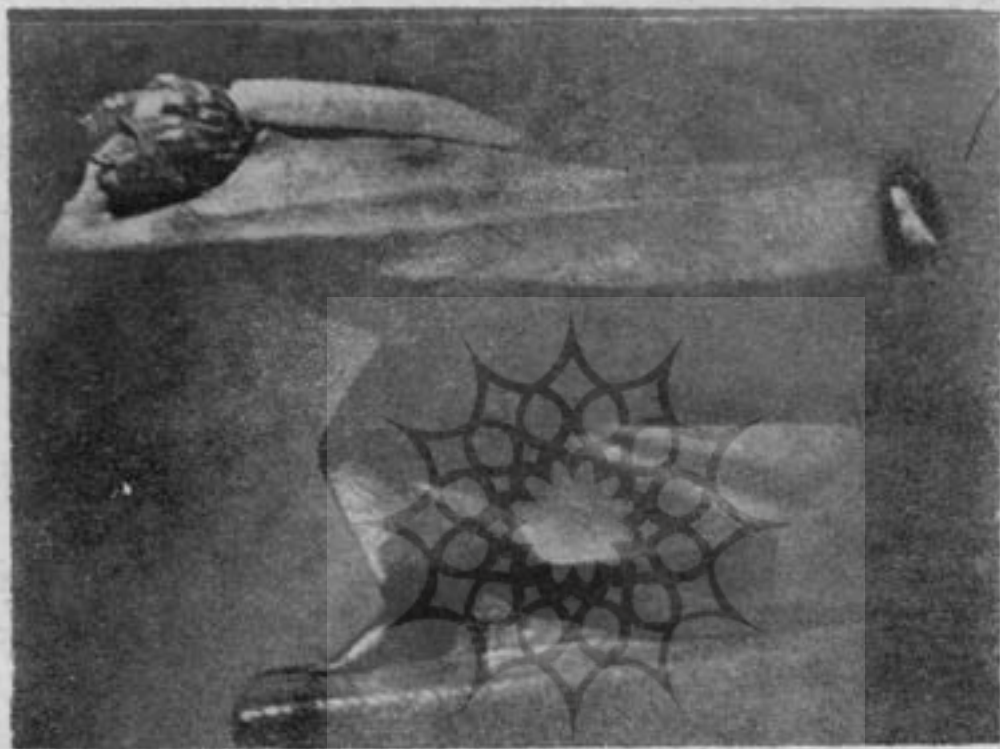
شهرت بارلاخ در مجسمه‌سازی از سال ۱۹۲۰ شروع شد. اما این شهرت از داخل آلمان یا بهتر بگویم از درون بعضی از شهرها فراتر نرفت. درین سال به یادگار جنگ جهانی اول دو مجسمه ساخت که یکی در « هامبورگ » و دیگری در « ماگدبورگ » نصب شد. پس ازین دو کار به ساختن پیکر مذهبی « کاترین » مقدس برای کلیسای شهر « لوبک » پرداخت. ازین زمان در میان اهل کلیسا حرمتی زیاد یافت و اینان سبب شهرت روز افزون او در داخل آلمان شدند. اما همچنان که خودش می‌پنداشت آسمان با او سرچنگ داشت. نازی‌ها به روی کار آمدند و هیتلر زمام امور را به دست گرفت. بارلاخ متهم شد که « نژادش فاسد » است. مجسمه‌ها و آثار هنری دیگرش را از موزه‌ها و کلیساها برچیدند و نمایشگاه‌هایش را بستند و هنرمندی منفورش خواندند. از جمله آثاری که از جمله نازی‌ها جان به سلامت بدربرد مجسمه « سیران فرشته » است که درین شماره به چاپ رسیده است.



خنده پیرزن نگر بارلاخ

این مجسمه کوچک چوبین در سال ۱۹۲۷ ساخته شده است و یکی از کارهای آخر عمر هنرمند است.

ناامیدی و بی‌اسی که عمری همدمش بود دوباره بر او چیره شد تا اینکه به سکنه قلبی در بیست و چهارم اکتبر ۱۹۳۸ در گذشت .
 پس از شکست آلمان و پایان گرفتن جنگ جهانی، هنرمندان آلمانی انجمنی به نامش در هامبورگ تأسیس کردند و در نزدیکی «لوندهبورگ» Lüneburg موزه کوچکی به اسم او ساختند .



شهرگاه علوم انسانی جوانان بارلاخ

درین تصویر شیطانی تصویر شده است که شمشیری به دست دارد و در کار حمله است (تصویر خارج از متن عکس همین مجسمه از مقابل است) این مجسمه در آغاز جنگ جهانی اول یعنی ۱۹۱۴ شناخته شده است و نشان دهنده احساس هنرمند در آن زمان است

درین زمان در کشورهای دیگر اروپا نیز چون فرانسه و ایتالیا و انگلستان و . . . چنانکه در پیش اشاره شد برای تجلیل ازین هنرمند مقاله‌هایی در بررسی آثارش در مجله‌ها و روزنامه‌ها منتشر شد و مجموعه‌هایی به چاپ رسید و در دسترس مردم گذاشته شده . از نمایندگان های آثار بارلاخ در بیشتر شهرها استقبال فراوان به عمل آمد .

در زمان جنگ بسیاری از آثار بارلاخ به امریکا برده شد و اکنون موزه هنر های جدید، نیویورک دارای یکی از جالبترین مجموعه های آثار بارلاخ است .

هنرور مهین



پروہشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
رتال جامع علوم انسانی